
مستندات قرآنی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (دام ظلّه)

محدثه کاشفی (نویسنده مسئول)^۱ - راضیه سادات سیدخراسانی^۲ - خدیجه حسین زاده باردئی^۳

چکیده

تمدن اسلامی با رشد چشم‌گیری مسیر خود را طی کرده اما برای حفظ آن شاخصه‌هایی تعیین شده تا برای توسعه‌ی بیشتر آن، اقدام درست و اساسی صورت گیرد. در این راستا مقام معظم رهبری برای توسعه تمدن اسلامی نظریه جدید تمدن نوین اسلامی را مطرح کرده‌اند که در آن موارد مختلف تمدن اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفته که یکی از پراهمیت‌ترین مسئله شناختن شاخصه و خط سیر عملکرد تمدن اسلامی است. مقاله پیش‌رو سعی دارد به روش توصیفی - تحلیلی شاخصه‌های تمدن اسلامی در اندیشه ایشان را

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، مجتمع آموزشی بنت الهدی، مدرسه قرآن و حدیث (نویسنده مسئول).

Kashifi1400@gmail.com

۲. دانش‌آموخته‌ی سطح ۴ رشته‌ی تفسیر تطبیقی جامعه الزهراء، مدرس و پژوهشگر حوزه و دانشگاه.

124000mr@gmail.com .۰۹۱۳۵۴۶۸۵۲۶

۳. دانش‌آموخته‌ی سطح ۴ رشته‌ی تفسیر تطبیقی، مدرس و پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه

الزهراء سلام الله علیها - مدرس مجتمع عالی بنت الهدی، ۰۹۱۹۴۵۲۴۳۰۹؛

.Hosinzadeh110@gmail.com

براساس آیات مستندسازی کند. بر اساس نتایج به دست آمده ترقی تمدن نوین اسلامی به همت همه جامعه نیاز داشته و در سایه ایمان به خدا، کار و تلاش مستمر، استقرار عدالت و اقتصاد سالم به وجود می‌آید و آیات مختلفی نیز به این امور پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: تمدن نوین اسلامی، بیانیه گام دوم، شاخصه‌های تمدن اسلامی، خدامحوری، عدالت، اقتصاد سالم، مقام معظم رهبری.

مقدمه

تمدن اسلام با بعثت رسول خدا و هجرت او به مدینه شکل گرفت و مسلمانان با اتکا به آموزه‌های قرآن و سفارش‌های پیامبر و ائمه علیهم‌السلام آن را تا قرن پنجم هجری به اوج رسانیده که در این مسیر تمدن اسلام فراز و نشیب‌های زیادی داشته است. این فراز و نشیب‌ها به استحکام تمدن اسلامی از جوانب زیادی کمک کرده است تا بازبینی شده و شاخصه‌ها و راهکارهای موجود در قرآن و احادیث و بیانات پیامبران و ائمه معصوم بکار گرفته شود. به دلیل اهمیت تاریخ تمدن اسلامی به ویژه بیداری اسلامی که در کشورهای مسلمان به وجود آمده، این نوع پژوهش‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

از این روی پژوهش حاضر با روش تحلیلی و توصیفی در صدد استخراج مستندات قرآنی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی است.

پیشینه

کتاب‌ها و مقالات متعددی در مورد تمدن اسلامی به رشته تحریر درآمده تا به جهانیان معرفی شود. به طور کلی می‌توان به تعدادی از این کتاب‌ها اشاره کرد.

۱. تاریخ ابن‌خلدون نوشته ابن‌خلدون که بازتاب دیدگاه‌های فلسفی - تاریخی و تحلیل‌های اجتماعی وی از حوادث تاریخی است.
۲. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی تألیف جان احمدی که تمدن اسلامی و نهضت‌های علمی تمدن اسلامی را مورد مطالعه قرار داده و نقاط قوت و ضعف تمدن اسلامی در برابر تمدن غرب بررسی کرده است.
۳. تاریخ طبری که به طور کلی تاریخ جهان و تاریخ اسلام را مورد مطالعه قرار داده است. ایشان تمدن اسلامی را بدون در نظر گرفتن مرزهای جغرافیایی، زبانی و قومی به طور کلی بیان می‌کند.
۴. الکامل فی تاریخ، این کتاب تاریخی یک مجموعه کامل از تاریخ آغاز بشریت و سیر

زمان تاریخی بوده و بحث عمده آن را تاریخ اسلام و فراز و نشیب‌های آن در بردارد.
۵. اکبری، مرتضی؛ رضایی، فریدون (پاییز و زمستان ۱۳۹۳) واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)، نشریه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی.

هر کدام از آثار نام برده شده به نحوی به تاریخ و تمدن اسلامی پرداخته‌اند اما کمتر پژوهشی نظر مقام معظم رهبری در این خصوص را مورد بررسی قرار داده است. از میان آثاری که به این مسئله پرداخته‌اند نیز مقاله‌ای در مورد مستندات قرآنی شاخصه‌های تمدن اسلامی از نظر ایشان یافت نشد؛ از این رو ضروری است مقاله‌ای با این موضوع نگاشته شود.

۱. مفهوم شناسی

پیش از ورود به بحث برای تبیین بهتر کلمات کلیدی، ابتدا این واژگان به لحاظ لغوی و اصطلاحی مفهوم شناسی می‌شود.

۱.۱ تمدن

این واژه در فرهنگ‌های فارسی به صورت‌های مختلفی تعریف شده است که به برخی از جامع‌ترین و مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. شهرنشین شدن؛ به اخلاق و آداب شهریان خوگیر شدن یا بر همکاری مردم یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و غیره (معین، ۱۳۸۶، ص ۳۴۵) اطلاق می‌شود. همچنین در فرهنگ عمید این کلمه در معانی چون: خوی شهری گزیدن و با اخلاق مردم شهر آشنا شدن؛ زندگانی اجتماعی؛ همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم ساختن اسباب ترقی و آسایش خود آمده است (عمید، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۶۱۵) و در اصطلاح تخلق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و همجیة و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت (عمید، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۶۱۵). ابن خلدون برای اینکه معنای اصطلاحی از این واژه ارائه کند؛ ابتدا می‌گوید: مؤلفه‌های مدنیت را جمعیت، ثروت، کار، صنعت، دانش، هنر، جغرافیا، شهر نشینی، دین و عصبیت دانسته است. وی درباره مدنیت می‌گوید: «اجتماع نوع انسان ضروری است. به بیان حکیمان

انسان دارای سرشت مدنی است، یعنی ناچار است اجتماعی تشکیل دهد که در اصطلاح ایشان آن را مدنیت گویند (ابن خلدون، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۷۱) تمدن عبارت است از؛ برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویرانگر را متنفی ساخته و مسابقه در مسیر و رشد و کمال را قائم مقام آن‌ها بنماید، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعالیت رسیدن استعداد‌های سازنده آن‌ها باشد (جعفری، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۲۳۳).

۱-۲) شاخصه‌های تمدن اسلامی

تمدن اسلامی بیانگر همه جنبه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد. تمدن اسلامی تمدن دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام می‌گردد. تمدن اسلامی از همه ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برخوردار است و مؤلفه‌های آن دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات و اصول دینی است (جان احمدی، ۱۳۸۸، ۵۱ - ۵۲). مقام معظم رهبری تمدن اسلامی را فضایی می‌داند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۳/۲۲).

واژه‌ی شاخصه در لغت به معنای برآمده، مرتفع، برجسته، ممتاز، نمودار، عددی که میانگین ارزش مجموعه‌ای از اقلام مرتبط با یکدیگر را بر حسب درصدی از همان میانگین در فاصله زمانی دو تاریخ بیان کند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۱۳۹۶۲). همچنین در فرهنگ عمید این کلمه به معنای مرد گشوده چشم و بینا، کسی که میان مردم برگزیده و ممتاز باشد آمده است (عمید، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۲۷۳). شاخص عبارت از کمیت است که نماینده چند متغیر همگون بوده و وسیله‌ای برای اندازه‌گیری و مقایسه پدیده‌هایی است که ماهیت و خاصیت مشخص دارد (جان احمدی، ۱۳۸۸، ص ۳۰ - ۲۹). در نتیجه مراد از شاخصه‌های تمدن اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری، بهره‌مندی انسان‌ها از همه

ظرفیت‌های مادی و معنوی است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان در عالم طبیعت و وجود خود آنان تعبیه کرده است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۲/۹: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۲۴۰۵>).

۲. شاخصه‌های تمدن اسلامی و مستندات قرآنی آن

شاخصه‌های تمدن اسلامی از نگاه رهبری عبارت است از؛ محوریت قوانین قرآن، مجاهدت، حکومت مردمی، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت و اقتصاد سالم که در ذیل به طور مفصل از آن بحث می‌شود:

۱،۲. اصل بودن قوانین قرآن

مقام معظم رهبری بیان میدارد که قرآن در تمدن اسلامی از جایگاه مهمی برخوردار است. به اعتقاد مقام معظم رهبری شکل‌گیری تمدن اسلامی باید با توجه به «مبانی مشترک همه مذاهب اسلامی» و نه شیعه باشد؛ زیرا اولین و عالی‌ترین منبع مشترک بین همه فرق اسلامی قرآن عظیم است. ایشان همچنین عامل اصلی دشمنی معاندان با اسلام را همین محوریت و اصل بودن قوانین الهی برگرفته شده از قرآن می‌داند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۶/۲۶). قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب قانون و وحی الهی بهترین روش هدایت به شمار می‌رود. در این خصوص خداوند می‌فرماید: «هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (اعراف: ۲۰۳)؛ بگو: این قرآن وسیله بینایی از طرف پروردگارتان و مایه هدایت و رحمت است برای جمعیتی که ایمان می‌آورند». همواره قرآن در همه زمان‌ها محور بوده و هیچ قانونی در ردیف قوانین الهی قرار نمی‌گیرد و به اندازه قرآن اعتبار ندارد.

۲،۲. خدا محوری

دراندیشه رهبر معظم انقلاب در درجه‌ی اول تمدن نوین اسلامی به ایمان نیاز دارد. ایشان معتقداند؛ جدایی دیانت از سیاست از مظاهر شرک است که تا مسلمانان به همه ابعاد اسلام که سیاست نیز یک بعد مهمی از آن است ایمان نیاورند وارد اسلام واقعی نمی‌شوند. مقام معظم رهبری نقطه اصلی در تمدن اسلامی را ایمان به خداوند متعال و به

معنای عمیق توحید ناب معرفی می‌کند و معتقدند یک نقطه اصلی وجود دارد و آن ایمان است. ما باید به تعیین هدفی پردازیم که به آن ایمان دست پیدا کنیم. ایشان معتقدند بدون ایمان، پیشرفت در این بخش میسر نیست و کار به نحو صحیحی انجام نمی‌شود. اکنون آنچه که به آن ایمان داریم می‌تواند لیبرالیسم، کاپیتالیسم، کمونیسم، فاشیسم یا توحید ناب باشد. بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت و به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسئله ایمان مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد، یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد؛ براساس این ایمان، زندگی انتخاب خواهد شد» (خامنه‌ای، نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

پیامبر ﷺ در بیان منزلت و جایگاه ایمان در سفارشی به ابوذری می‌فرماید: ای ابوذری هیچ چیزی در نزد خداوند محبوب‌تر از ایمان به او و خودداری از آنچه نهی می‌کند، نیست (شیخ طوسی، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۵۱) روشن است که خودداری از نواهی خداوند فقط در سایه ایمان به او مقدور است و در واقع از برکات ایمان به خداوند است. امام صادق علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: خداوند دنیا را هم به کسانی می‌دهد که دوست‌شان دارد و هم به کسانی که برآن‌ها غضبناک است ولی ایمان را تنها به کسانی که دوست‌شان دارد، می‌دهد (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۲۱۵). جایگاه ایمان در قلب‌های بندگان خالص خدا است. این قلب‌ها با پاکی‌شان ایمان را درک می‌کنند و در نگهداری آن کوشا هستند.

قرآن کریم در آیات متعددی ضرورت ایمان به خداوند را یادآور می‌شود از جمله می‌فرماید: «فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (تغابن: ۸)؛ پس به خدا و پیامبر او و آن نوری که ما فرو فرستادیم ایمان آورید و خدا بر آنچه می‌کنید آگاه است.» در تفسیرآیه بالا بیان شده است: به دلیل اینکه حرف «فاء» در اولش آمده، می‌فرماید: هنگامی که مسلم شد به طور یقین مبعوث خواهید شد و شما را به ریز و درشت آنچه کرده‌اید خبر خواهند داد، پس واجب است به خدا و رسولش ایمان آورید. همچنین به قرآن، همان نوری که بر رسولش نازل کرده، ایمان آورید؛ نور ساطعی که به سوی صراط

مستقیم هدایت کرده و شرایع دین را بیان کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۳۰۰). بنابراین ضرورت ایمان از اهمیت بسیاری برخوردار است و در آیات دیگری نیز به آن پرداخته شده است (رک: اخلاص: ۱؛ بقره: ۱۳۶ و ۲۸۵؛ آل عمران: ۸۴؛ مائده: ۶۹ و ۱۱۱؛ نساء: ۱۳۶ و ۱۶۲).

اولین هدف بعثت پیامبران دعوت انسان‌ها به یکتا پرستی و ایمان به خداست که درآیه ذیل به آن اشاره شده است. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ (نحل: ۳۶)؛ و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده بر انگیختیم تا خدا را پرستید و از طاغوت بپرهیزید»؛ بنابراین رسالت پیامبر اعظم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز در همین مسیر بوده که پیامبر در طول بیست و سه سال نبوت، لحظه‌ای از این هدف غافل نشد و همه تلاش‌ها و دلسوزی‌هایشان برای خدامحوری و دعوت به سوی خداوند متعال بوده است. ایمان و خدامحوری از چنان اهمیتی برخوردار است که در همه تمدن‌ها عامل اصلی همه پیشرفت‌ها محسوب می‌شود.

براساس قرآن کریم، ایمان به خداوند موجب جلب رحمت الهی و گشایش برکات آسمانی و زمینی می‌شود که خود به پیشرفت جامعه در ابعاد مختلف می‌انجامد (ر.ک: اعراف: ۹۶). همچنین آبادانی مساجد الهی که یکی از نهادهای مهم اجتماع است، با ایمان به خداوند فراهم می‌شود. بدیهی است آبادی مسجد باعث رونق اجتماعی و رشد فضائل در جامعه و درنهایت پیشرفت آن جامعه خواهد شد. خداوند در این خصوص می‌فرماید: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ ءَاتَى الزَّكَاةَ وَ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ (توبه: ۱۸)؛ مساجد خدا را تنها کسی آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده، و نماز را برپا دارد، و زکات را بپردازد، و جز از خدا نترسد؛ امید است چنین گروهی از هدایت‌یافتگان باشند».

بنابراین ایمان جایگاه بلندی در آیات دارد؛ چرا که سعادت و کمال آدمی را در پی دارد. ایمان از یک سو موجب قرب معنوی است، از سوی دیگر مبدأ و شاه‌کلید همه صفات

پسندیده‌ی نفسانی و نیکی‌های رفتاری است. بنابراین مهم‌ترین شاخص جامعه و تمدن نوین اسلامی در اندیشه‌ی رهبر انقلاب همان خدا محوری و ایمان به خالق جهان است که باید در همه سطوح جامعه اجرا شود و روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر اساس آن شکل گیرد.

۳،۲. مجاهدت

پایه‌گذاری تکوین و گسترش تمدن‌ها فقط در پرتو تلاش مداوم انسان‌ها به دست می‌آید. یکی از شاخصه‌های بارز تمدن‌ها، تلاش و کوشش مستمر و مداوم بشر بوده که در منابع تاریخی این تلاش مداوم مورد توجه قرار گرفته و از آن به عنوان مجاهدت یاد شده است. مجاهدت مردم تأثیر زیادی در رشد و دوام تمدن اسلامی داشته است. این مجاهدت مختصات مربوط به خود را داشته و در هیچ تمدنی به طور یکسان نمایان نیست. این واژه در فرهنگ قرآنی نیز مورد توجه قرار گرفته است و در مقاطع مختلف دستور به مجاهدت در همه امور داده است. چنانکه مفسران واژه جهاد را در آیه ۵۲ سوره فرقان: «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» به معنی مجاهدت علمی دانسته‌اند. پس حاصل مضمون آیه این است که مثل رسالت الهی در برطرف کردن حجاب جهل و غفلت از دل‌های مردم به وسیله اظهار حق و اتمام حجت مثل آفتاب است در دلالت بر سایه گسترده و برداشتن آن سایه به امر خدا. ای پیامبر، حال که تو حامل این رسالت شده‌ای و به سوی همه اهل قریه‌ها مبعوث شده‌ای، وجهی ندارد که از کافران اطاعت کنی، زیرا اطاعت آنان تباه‌گر این ناموس عمومی است که برای هدایت قرار داده‌ایم. پس در تبلیغ رسالت خود و اتمام حجت بر مردم به وسیله قرآن که مشتمل بر دعوت حقه است، نهایت تلاش و کوشش خود را به کار گیر و جهاد بزرگی با آنان داشته باش (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، ص ۲۲۸)؛ بنابراین قرآن برای جهاد و مجاهدت در مسیر گسترش دین، ایمان و خدا باوری اهمیت فراوانی قرار داده است.

در بیان مقام معظم رهبری نیز واژه مجاهدت واژه راهبردی است که با توجه به آثار عمیق

آن در رشد و دوام تمدن اسلامی در مناسبت‌های مختلف همه را به مجاهدت در همه امور دعوت کرده است. ایشان با استناد به آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت: ۶۹) معتقدند؛ در صورت مجاهدت، حصول موفقیت و تأییدات الهی قطعی است. در دیدگاه ایشان مجاهدت با تلاش معمولی تفاوت داشته و اصلی‌ترین تفاوت آن با تلاش معمولی با استناد به آیه فوق موضوع مهم اخلاص است. همچنین فرموده‌اند: اسلام در اولین ردیف فهرست کارهای واجب، مجاهدت در راه خدا را قرار می‌دهد و قرآن می‌فرماید: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حج: ۷۸) یعنی در راه خدا آنچنان که شایسته است مجاهدت کنید. مجاهدت با جان و مال، مجاهدت درونی و بیرونی که چنین مجاهدت مقاومت در مقابل موانع طبیعی و غیرطبیعی است. در این خصوص قرآن فرموده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَزْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (حجرات: ۱۵) مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند، سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کرده‌اند؛ آنها راستگویانند». بنا براین سال‌هاست که مستکبران و زورگویان عالم سعی کرده‌اند جهاد را از فرهنگ اسلامی خارج کرده و آن را بد جلوه دهند و مجاهده فی سبیل الله را از چشم‌ها بیندازند و هر جا گروهی که در راه خدا قیام کرده و برای خیر بشریت و آبادی زمین در پرتو احکام الهی حرکت کرده، متهم‌اش کرده‌اند (بیانات رهبری، ۱۳۷۷/۱۰/۲۸).

در همین مورد پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «يرفع الله المجاهد في سبيله على غيره مائة درجة في الجنة ما بين كل درجتين كما بين السماء والارض» (نوری، ج ۲، ص ۲۴۴)؛ خداوند مجاهد در راهش را بر غیر او صد درجه در بهشت رفعت و بلندی بخشیده که فاصله میان هر دو درجه همانند فاصله میان آسمان و زمین است». براساس آیات و روایات کسانی که در راه خدا تلاش و مجاهدت می‌کنند مقام بلندی در پیشگاه خداوند دارند. مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرماید: جهاد ابزاری برای تسریع در رسیدن به اهداف الهی

است. در سنت الهی اراده انسان تعیین کننده است، به همین خاطر اسلام انسان‌ها را به مجاهدت دعوت می‌کند و می‌فرماید: «و جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ» (مائده: ۳۵) یا «و جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حج: ۷۸) یعنی همه ظرفیت خود را در راه جهاد مصرف کنید.

مقام معظم رهبری در خصوص مجاهدت می‌فرماید: اسلام این توانایی را داشت و دارد که بشریت را به سعادت برساند و از لحاظ مادی و معنوی آن را رشد دهد؛ براین اساس می‌فرماید که مجاهدت واژه استراتژیک در رشد و دوام تمدن اسلامی بوده که در زمینه‌های گوناگون همه را به مجاهدت در همه امور دعوت می‌کند (بیانات رهبر، ۱۳۹۰/۴/۹). براساس آیه ۶۹ سوره عنکبوت، رسیدن به راه‌های موفقیت در زندگی مجاهدت در راه خدا است؛ زیرا جهاد در راه خدا خودخواهی و خودپسندی را از انسان دور و روح مقاومت و استواری را در انسان زنده می‌کند. همه عرصه‌های زندگی عرصه جهادی بوده و باید دانست رحمت الهی و کمک الهی بستگی به حرکت و کوشش انسان مؤمن یا به عمل صالح او داشته به همین خاطر باید در میدان باشیم و مجاهدت را فراموش نکنیم و بدانیم که جهاد در صحنه‌های مختلف وظیفه و ضامن ترقی و پیشرفت است. بنا براین جهاد در همه زمینه‌ها موجب پیشرفت اهداف متعالی می‌شوند و نباید در برابر دشمن عقب نشینی کرد (بیانات رهبری، ۱۳۸۶/۵/۲۸).

خداوند در مورد کسانی که ایمان‌شان ضعیف بوده و در هنگام جهاد مسامحه کرده‌اند و در میدان حاضر نشدند، می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا» (نساء: ۷۷) آیه این‌گونه مسلمانان را ملامت می‌کند؛ روزی که اسلام ضعیف بود، پیوسته چون و چرا می‌کردند که چرا به ما اجازه جهاد داده نمی‌شود ولی هنگامی که اسلام قدرت گرفت و پایه‌های دین محکم شد و مسلمانان مأمور به جهاد و مجاهدت شدند، برخی از کفار ترسیدند و پا به میدان نبرد نگذاشتند و از جهاد سرباز زدند.

بنا براین در جهان امروز که میدان سازندگی، میدان آگاهی از حیل‌های دشمنان، میدان تلاش برای خودسازی علمی و اخلاقی است، مجاهدت همه اقشار لازم است.

۴,۲. مردم‌سالاری

در اندیشه مقام معظم رهبری مردم‌سالاری و حکومت مردمی مسئله مهمی است. ایشان در تبیین معنای آن می‌فرماید: مردم‌سالاری یعنی شریک شدن مردم در حکومت، یعنی ایجاد نقش مردم در اداره و تشکیل حکومت و تعیین و تثبیت حاکم و دیگر اینکه حکومت در خدمت مردم باشد. در حکومت اسلامی منافع عامه مردم در نظر گرفته می‌شود نه اشخاص معین و یا قشر و طبقه خاص و اگر یک حکومتی ادعا کند مردمی است باید در آن حکومت مردم دارای نقش باشند، از جمله در تعیین حاکم. البته در حکومت اسلامی و دینی در یک مقطع مردم تأثیری در تعیین شخص حاکم ندارند؛ بلکه خدایی است، مانند دوران رسول خدا و امامان معصوم (بیانات رهبر، ۱۳۸۹/۱۱/۲۸).

خداوند در این خصوص می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ» (نور: ۶۲)؛ مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند و هنگامی که در کار مهمی با او باشند، بی‌اجازه او جایی نمی‌روند؛ کسانی که از تو اجازه می‌گیرند» عبارت «الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ» در توصیف مؤمنان با آنکه معنای کلمه (مؤمنین) روشن بود؛ از این جهت است که بر اوصاف آنان به حقیقت معنای ایمان دلالت کند. بنابراین مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و رسولش ایمان حقیقی دارند و به وحدانیت خدا و رسالت رسولش باور و اعتقاد قلبی دارند. از این رو در ادامه فرمود: «و چون با او بر سر امری اجتماع و اتفاق می‌کنند، نمی‌روند تا اجازه بگیرند» مقصود از امر جامع امری است که خود به خود مردم را دور هم جمع می‌کند، تا درباره آن بیندیشند و مشورت کنند و سپس تصمیم بگیرند؛ مانند جنگ و مانند آن. براین اساس معنای آیه چنین است: چون با رسول او بر سر امری از امور عمومی اجتماع می‌کنند، به دنبال کار خود نرفته و از آن جناب روی نمی‌گردانند، مگر پس از آنکه کسب اجازه کرده باشند. در

حقیقت ایمان از کسب اجازه جدا نمی‌شود؛ یعنی کسانی که ایمان واقعی دارند، از پیامبر اجازه می‌گیرند (رک: طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، ص ۱۶۶). با توجه به تفسیر آیه می‌توان دریافت که حکومت مردم‌سالاری نیز دارای قوانین و مقررات بوده و مشورت با حاکم از پایه‌های آن است؛ یعنی حکومت مردم‌سالار توسط حاکم منتخب بر اساس یک تصمیم جمعی اداره می‌شود نه براساس خواست شخصی افراد.

مقام معظم رهبری اوج مردمی بودن حکومت را در به رأی گذاشتن قانون اساسی در اوایل انقلاب می‌داند و معتقد است؛ رأی مردم تعیین‌کننده است و این به علت کرامت انسان‌ها بوده که به واسطه دین از ناحیه خداوند متعال به آنها واگذار شده است. (خامنه‌ای، نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۸۳/۸/۱۴) در همین مورد قرآن می‌فرماید: «وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (شوری: ۳۸). کلمه «تشاوری» و «مشاورت» و «مشورت» به معنای استخراج رأی صحیح با مراجعه برخی به برخی دیگر است (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۴۷۰). انسان در مواقعی که خودش درباره کاری نظر درستی ندارد، به دیگری مراجعه می‌کند و از او رأی صحیح می‌خواهد. بنابراین مؤمنان بین خود شورا تشکیل می‌دهند و در کارهای خود با یکدیگر مشورت می‌کنند. آنان اهل رشداند و عملکردشان کاری است که باید انجام می‌داند. آنان در به‌دست آوردن و استخراج رأی صحیح دقت به عمل می‌آورند و به این منظور به صاحبان عقل مراجعه می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۸، ص ۶۳). از این رو یکی از مشخصه‌های مهم و اساسی یک حکومت مردمی مشورت و رأی‌گیری در امور است.

در این خصوص روایتی از پیامبر ﷺ نقل شده که به امام علی عَلِيٌّ فرمودند: «يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ! لَكَ وِلَاةٌ أُمَّتِي فَإِنْ وُلَّوْكَ فِي عَافِيَةٍ وَ رَجَعُوا عَلَيْكَ بِالرِّضَا فَمُمْ بِأَمْرِهِمْ، وَ إِنْ اخْتَلَفُوا عَلَيْكَ فَدَعُهُمْ وَ مَا هُمْ فِيهِ، فَإِنَّ اللَّهَ سَيَجْعَلُ لَكَ مَخْرَجاً» (ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۴۲۰ق، ص ۵۰۶؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۱ش، ص ۱۹۹؛ نوری، حسین، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۷۸)؛ ای علی، ولایت امتم بر عهده توست. اگر مردم با رضایت و در عافیت به تو رجوع کردند، پس امر آنان را اقامه کن و اگر در مسئله ولایت تو اختلاف کردند، آنان را در آنچه که هستند، رها

کن...».

پیامبر اکرم حکومت بر مردم را مشروط بر رضایت مردم و پذیرش آنان می‌داند؛ اگرچه حاکم به حق باشد ولی عدم مقبولیت، موجب عدم پیروی مردم از حاکم و اختلال در امر حکومت می‌شود. بنابراین مردمی بودن حکومت از رضایت مردم نشأت می‌گیرد و رضایت مردم در تعیین حاکم، نقطه اساسی است. همین مردمی که روزی پشت به امیرالمؤمنین علیه السلام کردند و حضرت نیز کار آنان را به خودشان واگذار کرد، روزی دیگر رو به ایشان کردند و از او حکومت علوی را طلب کردند. در اینجا نیز حضرت نقش مردم در تعیین سرنوشت جامعه را مهم دانستند و پذیرش حاکم از سوی مردم را مهم شمردند و فرمودند: «قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ عَنْ مَلَأَ وَإِذْنِ إِنْ هَذَا أَمْرِكُمْ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِيهِ حَقٌّ إِلَّا مَنْ أَمَرْتُمْ وَ قَدْ افْتَرَقْنَا بِالْأَمْسِ عَلَى أَمْرٍ وَ كُنْتُمْ كَارِهًا لِأَمْرِكُمْ فَأَيُّتُمْ إِلَّا أَنْ أَكُونَ عَلَيْكُمْ (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳۲، ص ۸)؛ ای مردم! این حکومت امر شماست. هیچکس جز کسی که شما او را حاکم خود کنید حق امارت بر شما را ندارد. ما دیروز هنگامی از هم جدا شدیم که من قبول ولایت را خوش نداشتم ولی شما جز به حکومت من رضایت ندادید». بنابراین مردم سالاری یعنی مردمی بودن حکومت و رضایت مردم از حاکم تعیین شده، از شرایط مهم حکومت بر مردم است. لازم است مردم خودشان حاکم را انتخاب کنند و در سایه رضایت نسبت به حکومت اطاعت‌پذیری داشته باشند. البته مردم سالاری در بعد اجراست نه وضع قانون؛ یعنی مردم نقش مهمی در تعیین مجریان قانون و قانون‌گذاران دارند. در مواردی که اسلام قوانین ثابت و دایمی وضع نکرده است و با تحول در نوع زندگی بشر و دگرگون شدن ساختارهای پیشین، وضع قوانین جدید برای موضوعات و نیازهای جدید ضرورت می‌یابد، اسلام به دستگاه حکومتی مشروع که برآمده از خواست مردم است، اجازه داده که برای این حوزه، قوانین لازم را در چارچوب مبانی ارزشی اسلام، وضع کند. مانند قوانین راهنمایی و رانندگی. از آنجاکه قرآن و روایات نصی در این باره ندارند و وضع این گونه مقررات متغیّر و موقت که تابع شرایط متغیّر زمانی و مکانی است، به عهده حکومت اسلامی نهاده شده که با رعایت اصول و موازین کلی اسلام و ارزشها و عدم

تختی از چارچوب قوانین اسلامی، قوانین مناسب وضع می‌کند (مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۲، ص ۲۹۷).

۲, ۵. رفاه عمومی

از دیگر شاخصه‌های تمدن اسلامی ایجاد رفاه عمومی است. در اندیشه‌ی مقام معظم هبری ایجاد رفاه عمومی برای همه مسلمانان به صورت عادلانه تعریف شده است؛ به گونه‌ای که ایشان به مسئولان کشورهای اسلامی توصیه کرده‌اند که برای آسایش، امنیت روحی و روانی و اقتصادی، مردم باید بیشتر تلاش و کوشش کنند زیرا ایجاد رفاه عمومی از لوازم شکل‌گیری تمدن‌هاست (بیانات رهبری، ۱۳۷۲/۵/۱۲). اگر امروز نظام جمهوری اسلامی در برابر نظام‌های مختلف دنیا سخنی برای گفتن دارد؛ از آن جهت است که شاخص عمده آن ایمان و امنیت روحی است. ایمان به خدا و انبیا فقط برای تعالی معنوی نیست اگرچه بیشترین ثمره‌ی آن تعالی معنوی و تکامل انسانی و اخلاقی است؛ زیرا دنیا مزرعه‌ای برای آخرت است و از حرکت و تلاش در زندگی دنیا است که انسان پله‌های درجات رفیع و معارج را طی می‌کند. بنابراین زندگی در دنیا هم در گرو ایمان به خداست. ایمان به خدای متعال سبب می‌شود که در زندگی مادی و دنیایی خود بتواند همه آن چیزهایی را که انسان به آن احتیاج دارد، به دست آورد (بیانات رهبری، ۱۳۸۹/۱/۱). در این مورد قرآن می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنْ رَّبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ» (مائده: ۶۶)

اگر تعالیم اسلامی در جامعه عملی شود انسان‌ها از نظر رفاه به جایی می‌رسند که هیچ احتیاجی از لحاظ آسایش معنوی و روانی و احساس امنیت و آرامش برای آن‌ها باقی نماند که برآورده نشده باشد. درآیه‌ای دیگر رسیدن به رفاه را ایمان و تقوای اجتماعی بیان کرده و می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (اعراف: ۹۶) یعنی اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم. بنا براین ایجاد رفاه عمومی و نزول برکات الهی در گرو

ایمان و تقوای الهی است.

مسئله رفاه سراسر زندگی افراد را از هر نگاه تحت تأثیر قرار داده است؛ اما بیشتر در بعد اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد. تعالیم اسلامی نیز به این مهم توجه داشته و انسان را از بردگی و اسارت هستی‌سوز رهایی بخشیده و قوانین جامعه را به سویی برده که افراد از یکدیگر بی‌نیاز شوند تا در سایه‌ی آن افراد به اهداف بلند، تکامل، رشد و صعود بیاندیشند و در آن راه گام بردارند. رفاه اقتصادی برای عموم مردم با اجرای اصل عدالت اجتماعی و ایجاد قسط قرآنی امکان‌پذیر است؛ زیرا رفاه و بی‌نیازی در پی برقراری عدل در جامعه فراهم می‌شود. امام صادق علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: «إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْنُونَ إِذَا عُدِلَ بَيْنَهُمْ» (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۵۶۸؛ مفید، ۱۴۱۳ ق، المقنعة، ص ۲۸۰)؛ اگر عدالت بین مردم برقرار شود، بی‌نیاز می‌شوند» براین اساس در صورتی بی‌نیازی و رفاه اقتصادی در جامعه تحقق می‌یابد که میان مردم عدالت حکم فرما باشد. عدالت اجتماعی و ایجاد رفاه از اصول حکومت اهل بیت علیهم السلام بوده است. در زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف نیز با اجرای این اصل نیازها برآورده می‌شود و رفاه اقتصادی و آسایش در تمام ابعاد زندگی بشر جاری می‌شود.

به عقیده مقام معظم رهبری روش اقتصادی اسلام ویژه و خاص است و فقط در اسلام وجود داشته است. براین اساس ضروری است که سیاست کلی و همه‌گیر اقتصاد، ایجاد رفاه عمومی و عدالت اجتماعی در بین فرد فرد افراد جامعه باشد. ایشان در بررسی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی درباره رفاه عمومی فرموده‌اند: «در واقع مؤلفه‌های این مجموعه مسئله ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخصه‌های کلان از قبل رشد اقتصادی، تولید ملی، اشتغال، کاهش تورم، افزایش بهره‌وری و رفاه عمومی است. (بیانات رهبری، ۱۳۹۲ / ۱۲ / ۲۰). رفاه عمومی یکی از شاخصه‌ای تمدن اسلامی است. اگرچه رفاه در پی عوامل مختلفی از جمله عدالت به دست می‌آید و در این مجال اندکی به عدالت پرداخته شد ولی به دلیل اهمیت مسئله عدالت و شاخصه بودن آن، به صورت

مستقل به این مفهوم پرداخته می‌شود.

۶،۲. عدالت

عدل یکی از اصول دین و یکی دیگر از شاخصه‌های تمدن اسلامی است. قرآن به عدالت ورزی امر کرده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» (نساء: ۱۳۵) یعنی به دلیل اینکه استقرار عدالت راه پیامبران بوده و استقرار عدالت (نفی تبعیض و نفی فاصله‌های طبقاتی) جزو آرمان‌هایی است که بدون اقامه قسط و عدل امکان‌پذیر نیست، قرآن هدف اصلی پیامبران را همین مسئله می‌داند و می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ..» (حدید: ۲۵) قطعاً عدالت یکی از بهترین آرمان و ارزشمندترین چیز است که دنبالش باشیم و این جزء سخت‌ترین کارها بوده که با الفاظ نمی‌شود آن را درست کرد (بیانات رهبری، ۱۳۹۷/۳/۷). روح عدالت ورزی در تمدن اسلامی اهمیت بسیاری داشته است؛ زیرا در تاریخ یکی از عوامل اصلی انقراض تمدن‌ها ظلم بوده که نقطه مقابل عدالت است. علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و قدرت بدون عدالت موجب انقراض و انحطاط تمدن‌ها می‌شود. عدالت از اهداف اساسی بعثت پیامبران بوده و در اسلام نیز اجرای آن در جامعه بشری هدف اصلی است؛ از این رو در آیات و روایات، اجرای عدالت به صورت اصل بنیادین مطرح شده است. از این رو در اسلام تمام عنوان‌های مهم و حساس به افراد عادل واگذار شده و عدالت در آن‌ها شرط اساسی شمرده می‌شود.

عدالت اجتماعی، نقطه عطف آن ایجاد نوعی برابری است که با تحقق آن، آسایش و آرامش در یک جامعه برقرار می‌شود. در این مورد رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «عدالت اجتماعی یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام (رحمه‌الله) است و معتقدند که باید عدالت اجتماعی و پر کردن شکاف‌های طبقاتی در همه برنامه‌های حکومت مورد نظر و هدف باشد؛ زیرا مهم‌ترین و کلیدی‌ترین شاخص عدالت اجتماعی است یعنی رونق کشور در گرو تأمین عدالت اجتماعی مورد پذیرش و قابل قبول است»

(بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)؛ ازاین رو اسلام برای حفظ عدالت اجتماعی، مقاومت در برابر هر نوع ظلم و ستم بر مسلمانان را واجب کرده است؛ زیرا ستم و تجاوز امنیت عمومی را تحدید می‌کند. قرآن در این باره فرموده است: «وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ» (شورا: ۳۹)؛ و کسانی که هر گاه ستمی به آنها رسد، (تسلیم ظلم نمی‌شوند و) یاری می‌طلبند! « با توجه به این‌آیه ظلم بر هیچ فردی روا دانسته نشده است و چنانچه کسی تن به چنین بی‌عدالتی بدهد و بر کسی ظلم کند، آیه به او شاره می‌کند و می‌فرماید در مقابل چنین کسی نباید آرام گرفت؛ بلکه به یاری هم برخواسته و ریشه ظلم را بخشکانیم. همچنین آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید: «فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی استقرار عدالت اجتماعی و قسط و عدل اسلامی بوده که آمدن پیامبران، نزول کتاب و میزان الهی برای برپایی عدالت اجتماعی بوده تا مردم از فشار ظلم و تبعیض نجات یافته و در سایه قسط و عدل زندگی کنند (خامنه‌ای، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۲۵۴).

۷,۲. اقتصاد سالم

اقتصاد سالم یعنی اقتصادی که قائم به ذات و بی‌عیب باشد. بنابراین جامعه باید پایه‌های اقتصادی سالم داشته باشد. اقتصاد سالم در جامعه مثل یک دستگاہ قلب در وجود انسان است که اگر این دستگاہ خراب شود انسان مریض می‌شود. اگر اقتصاد سالم در جامعه نباشد، توسعه و رشد دچار مخاطره می‌شود و در نهایت هدف‌های اسلامی بدون اقتصاد سالم، محقق نمی‌شود.

مقام معظم رهبری به اقتصاد سالم در تمدن اسلامی توجه زیادی دارد و از اقتصادی که در آن رباخواری و تکاثر باشد، نهی می‌کند؛ زیرا به رشد اقتصادی ضربه می‌زند. رهبر معظم انقلاب اعتقاد به دو پایه برای اقتصاد سالم و اسلامی دارد. ۱: افزایش ثروت ملی ۲: توزیع عادلانه و رفع محرومیت در جامعه اسلامی (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۱/۱۳) با استفاده از آیات حفظ تعادل و موازنه در امر اقتصاد از پایه‌های اقتصاد سالم است. توزیع عادلانه در همه‌ی زمینه‌های تولید، توزیع و مصرف خطوط کلی اقتصاد اسلامی را در جامعه مشخص می‌کند

(قوی دست، سازندگی، زمستان ۱۳۹۳، شماره ۱).

قرآن در این مورد می‌فرماید: «وَ اذْكُرُوا اِذْ اَنْتُمْ قَلِيْلٌ مُّسْتَضْعَفُوْنَ فِي الْاَرْضِ تَخَافُوْنَ اَنْ يَّتَخَفَتْكُمْ النَّاسُ فَاَوَاكُمُ وَاَيُّدِكُمْ بِنَصْرِهِ وَ رَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ (انفال: ۲۶)؛ و به خاطر بیاورید هنگامی را که شما در روی زمین، گروهی کوچک و اندک و زبون بودید؛ آن چنان که می‌ترسیدید مردم شما را بربایند! ولی او شما را پناه داد؛ و با یاری خود تقویت کرد؛ و از روزیهای پاکیزه بهره‌مند ساخت؛ شاید شکر نعمتش را بجا آورید!» با توجه به سیاق آیه منظور از «آن روزی که مسلمین در زمین مستضعف بودند» روزگار ابتدای اسلام و قبل از هجرت بوده که مسلمین در مکه (در میان کفار) محصور بودند و منظور از نصرت و تأیید در عبارت «و ایدکم بنصره» نصرتی است که خداوند در جنگ بدر از مسلمین کرد و مقصود از «رزق طیب» غنیمت‌های جنگی است که خداوند به ایشان روزی کرد و آن را برای آنها حلال گرداند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ق، ج ۹، ص ۵۳ و ۵۴). همچنین در این خصوص آمده است: «وَ اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ (انفال: ۶۰)؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد)» «اعدوا» به معنای تهیه کردن چیزی است که با آن چیز به هدف خود می‌رسد و اگر آن را تهیه نکند به مطلوب خود نمی‌رسد و کلمه «قوة» به معنای هر چیزی است که با وجودش کار معینی از کارها ممکن می‌شود و در جنگ به معنای هر چیزی است که جنگ و دفاع با آن امکان پذیر است، از قبیل انواع اسلحه و مردان جنگی با تجربه و دارای سوابق جنگی و تشکیلات نظامی و اینکه فرمود: «وَ اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» امر عامی به مؤمنین است که در قبال کفار به قدر توانایی‌شان از تدارکات جنگی که به آن احتیاج پیدا خواهند کرد تهیه کنند، به مقدار آنچه که کفار بالفعل دارند و آنچه که توانایی تهیه آن را دارند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ق، ج ۹، ص ۱۱۴ و ۱۱۵). همچنین در آیه‌ای به رشد و توسعه اقتصادی جامعه اشاره داشته و می‌فرماید: «اِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَ ابْنِ السَّبِيْلِ فَرِيضَةٌ

مِنْ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (توبه: ۶۰)؛ زکات‌ها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع‌آوری) آن زحمت می‌کشند، و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می‌شود، و برای (آزادی) بردگان، و (ادای دین) بدهکاران، و در راه (تقویت آیین) خدا، و واماندگان در راه؛ این، يك فریضه (مهم) الهی است؛ و خداوند دانا و حکیم است!». درآیه ذیل بیان می‌شود که اسلام برای خلق و ایجاد یک سیستم اقتصادی درست که در آن سلامت اقتصادی، رشد و توسعه اقتصادی مدنظر باشد، از طریق مسئله زکات به آن پرداخته است. زکات باعث می‌شود برخلاف نظام‌های دیگر که در آنها سرمایه‌دار ثروتمندتر شده و فقیر فقیرتر و در نهایت زیر خط فقر قرار می‌گیرند، چرخه اقتصادی اسلام کنترل شود و از عدم تعادل اقتصادی زندگی مسلمانان جلوگیری شود (ر. ک: اثنی‌عشری، میکائیلی، ۱۳۹۳، ص ۸-۱۱). در این خصوص امام صادق علیه السلام تلاش در راه تأمین نیازهای ضروری زندگی را همچون جهاد در راه خدا می‌داند (ابن بابویه، محمد، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۱۶۸؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ ق، ص ۸۲).

تعادل و توازن اقتصادی

توزیع عادلانه در امر اقتصاد از اساسی‌ترین اهداف اقتصاد اسلامی است. در جهان بینی اسلامی خداوند، حق تعیین سهم از ثروت‌ها و درآمدهای جامعه را دارد؛ زیرا خداوند مالک همه چیز است. انسان خلیفه و جانشین خداوند بر روی زمین است و اموال و درآمدها نزد وی امانت نهاده شده است. از این رو به عقیده مقام معظم رهبری، فرصت‌های برابر و توزیع مناسب درآمد دو عنصر کلیدی عدالت و پیشرفت در جامعه است (بیانات رهبری، ۱۳۸۷/۳/۷). بنابراین عدالت همه جانبه در توزیع عادلانه، یک امر حیاتی در تعالی اقتصاد است و با تحقق این مهم، همه از رفاه نسبی برخوردار می‌شوند.

در آموزه‌های اسلامی اگرچه مسئولیت اصلی توزیع ثروت بر عهده دولت‌هاست ولی ثروتمندان نیز وظیفه دارند به پرداختن حقوق فقرا، مستمندان و دولت اسلامی که به صورت امانت الهی و به عنوان صدقات واجبه و خمس که در مال آنان وجود دارد در توزیع ثروت

برای رفع مشکلات اقتصادی سهمیم شوند. (دریساوی و فقیهی، ۱۳۹۳، ص ۶۳) خداوند در قرآن فرموده است: «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ..» (حشر: ۷) یعنی آنچه خدا از دارایی ساکنان قریه‌ها عاید پیامبرانش گردانید از آن پیامبر او و متعلق به خویشاوندان نزدیک وی و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان بوده تا میان توانگران شما دست به دست نگردد.

قرآن اقتصاد را عامل قوام و دوام امور فردی و اجتماعی می‌داند. با توجه به آن اهداف، توزیع ثروت را هم می‌توان یکی از موارد اساسی در ایجاد امنیت سیاسی - اقتصادی و رسیدن به عدالت اجتماعی دانست. بدین‌سان مشکلات اقتصادی بشر ناشی از کمبود مواد اولیه یا بخل طبیعت نیست؛ بلکه به علت توزیع ناعادلانه و بهره‌وری نادرست از امکانات موجود است (رستم نژاد، بی تا، ج ۲، ص ۱۳۵).

رشد اقتصادی

توسعه و رشد اقتصادی از دیدگاه اسلام جریانی است که در آن با بهره‌گیری از اندیشه‌های جامع‌نگر و عقلانی برآمده از حقایق هستی، فنون و روش‌های علمی پیشرفته از منابع انسانی و مادی جامعه در راستای تامین رفاه بشری و دستیابی به کمال شایسته مقام انسان استفاده بهینه صورت گیرد (خلیلیان، ۱۳۸۴، ص ۶). از آنجاکه هیچ معلولی بدون علت نیست؛ رشد اقتصادی نیز در یک جامعه به‌خودی خود به‌وجود نیامده و عوامل زیادی دست به دست هم داده تا به این سطح از رفاه دست یافته است. قرآن عواملی را در جهت توسعه و رشد اقتصادی بیان کرده که می‌توان به دو دسته معنوی و مادی تقسیم کرد.

الف) عوامل معنوی رشد اقتصادی

رشد معنوی را فقط از دیدگاه قرآن می‌توان بیان کرد و اهمیت عوامل در رسیدن به رشد اقتصادی را تصریح کرد.

۱. تأثیر تقوا در رشد اقتصادی

یکی از عوامل رشد اقتصادی تقوا و ایمان به خداوند است. اگر تقوا در جامعه اعمال

نشود، در رحمت خداوند بسته خواهد شد: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (اعراف: ۹۶)؛ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم» در جمله «لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» استعاره به کنایه بکار رفته، زیرا برکات را به معجریایی تشبیه کرده که نعمت‌های الهی از آن مجرا بر مردم جریان می‌یابد. باران و برف در زمان مناسب و به مقداری که برای مردم مفید است، می‌بارد. در نتیجه غلات و میوه‌ها فراوان شده و زمینه رشد اقتصادی فراهم می‌شود. البته این رخداد زمانی است که مردم به خداوند ایمان آورده و تقوا پیشه کنند وگرنه این مجرا بسته شده و جریانش قطع می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۸، ص ۲۰۱). در ادامه علت بسته شدن درهای اقتصاد و نعمت‌های الهی این چنین بیان شده است: آنها پیامبران را تکذیب کردند و ما آنها را به کیفر معصیت‌ها و مخالفت‌ها و تکذیب پیامبران گرفتار و باران را از آنها منع کردیم و نعمت‌های زمین را از آنها دریغ داشتیم (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۶۹۸). ایمان و تقوا نه تنها سبب نزول برکات الهی می‌شود و بر اقتصاد جامعه اثر می‌گذارد؛ بلکه باعث می‌شود آنچه در اختیار انسان قرار گرفته در مصارف مورد نیاز به‌کار گرفته شود.

۲. تأثیر انفاق در رشد اقتصادی

از جمله اعمال نیکی که برای خشنودی پروردگار انجام می‌شود، انفاق مال است. انفاق علاوه بر اینکه از خطرهای اجتماعی و روانی جلوگیری می‌کند، باعث بهره‌مندی از نعمت‌های جاودان خداوند متعال می‌شود. از نظر قرآن کریم، انفاق یکی از عوامل رشد اقتصادی مطلوب است: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَ اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۶۱) یعنی مثل آنان که اموال‌شان را در راه خدا انفاق می‌کنند، مانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند، در هر خوشه صد دانه باشد؛ و خدا برای هر که بخواهد چند برابر می‌کند و خدا

بسیار عطاکننده و دانا است. این مَثَل در امثال ذرت و آفتابگردان و نظیر آنها وقوع خارجی دارد که واقعاً یک دانه مبدل به هفتصد دانه بلکه بیشتر می‌شود، در سنبل گندم تا هشتاد دانه شمرده شده است (نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۱۴۷). امام صادق علیه السلام درباره فراز «وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ» می‌فرماید: هرگاه مؤمنی احسانی کند خدای مهربان ثواب هر حسنه‌ای را که انجام می‌دهد هفتصد برابر قرار خواهد داد (عیاشی، محمد، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۴۶). چنین است که انفاق و احسان در رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد.

ب) عوامل مادی توسعه اقتصادی

۱. تشویق به تولید

قرآن کریم پی‌درپی آمدن شب و روز را ایجاد زمینه برای حرکت و تولید به حساب می‌آورد. عبارت «لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ» (ر. ک: اسراء: ۶۶؛ روم: ۴۶؛ فاطر: ۱۲؛ جاثیه: ۱۲) در آیات مختلفی تکرار شده و بیانگر این است که حرکت و تولید باعث رشد اقتصادی خواهد شد. قرآن می‌فرماید: «وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (قصص: ۷۳) یعنی یکی از رحمت‌های خداوند آن است که شب و روز را برای تان قرار داد تا آرامش یابید و از فضل او بهره‌گیرید، باشد که شکرگزار شوید. آرامش شب مقدمه تلاش روز است. «تَسْكُنُوا فِيهِ وَ لِتَبْتَغُوا» خداوند بخشنده است ولی انسان باید کار و تلاش کند؛ زیرا شب برای آسایش و روز برای کار و فعالیت است و در روز هرآنچه به دست می‌آوریم از فضل خداوند است. لازم است نعمت‌های مادی مقدمه شکر و کسب مراتب معنوی باشد؛ بدین سان اگر دنیا وسیله‌ی رشد، قرب و شکر به درگاه الهی باشد، منفور و مذموم نخواهد بود (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۹۰). بنابراین خداوند انسان‌ها را به امر تولید در روز و داشته است؛ زیرا امروزه از نظر علمی ثابت شده است که تمام دستگاه‌های بدن در برابر نور، فعال و سرزنده می‌شود.

۲. فراوانی منابع دنیا

برخلاف دیدگاه اقتصاددانانی که منابع اقتصادی را محدود و آینده را تیره و تاریک می‌بینند،

قرآن از منابع نامحدود سخن می‌گوید. در این جایگاه انسان زمانی می‌تواند به پیشرفت دست یابد که کفران نعمت نکند. قرآن می‌فرماید: «وَآتَاكُم مِّنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ (ابراهیم: ۳۴)؛ و از هر چیزی که از او خواستید، به شما داد و اگر نعمتهای خدا را بشمارید، هرگز آنها را شماره نتوانید کرد! انسان، ستمگر و ناسپاس است!» انسان هرچه نیاز داشت از خداوند خواست و خداوند آن را در اختیار انسان قرار داد. اما اگر نعمت‌های الهی را بخواهد بشمارد، هرگز نمی‌تواند شمارش کند؛ چرا که در نعمت‌های بیکران خداوند غوطه‌ور است. اما با این همه لطف و رحمت الهی باز این انسان ستمگر، کفران نعمت می‌کند. براین اساس نعمت‌های الهی فراوان است اما شیوه صحیح و عملکرد مناسب انسان باعث استفاده بهینه از منابع می‌شود.

نتیجه

مقام معظم رهبری در تعریف کلی شاخصه تمدن اسلامی را بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی می‌داند که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. از جمله شاخصه‌های تمدن اسلامی که اندیشمندان و مورخان اسلامی در تاریخ اسلام بیان کرده‌اند و مقام معظم رهبری به شیوه‌ی منسجم‌تری درباره آنها سخن گفته‌اند؛ تمدن اسلام با محوریت قرآن است. این شاخصه چنان فراگیر است که همه فرق و مذاهب اسلامی را در درون خود جا داده و دست همه معاندین و دشمنان اسلام را کوتاه کرده است. هدف از بعثت پیامبران خدامحوری و پرهیز از طاغوت و رسیدن به تمدن ناب اسلامی بوده که البته مجاهدت و تلاش مستمر و دوام‌دار را در پی داشته است. برطرف شدن حجاب جهل و غفلت از دل‌های مردم و تثبیت حاکم و حکومت اسلامی همه شمول و مردم‌سالار برای ایجاد آسایش و امنیت روحی و روانی و اقتصادی مردم، از دیگر شاخصه‌های اصلی تمدن اسلامی است. امروز نظام جمهوری اسلامی در برابر نظام‌های مختلف دنیا جایگاه ویژه‌ای داشته که دلیل عمده این نظام و پیشرفت آن استقرار عدالت و پیمودن راه پیامبران و نهادینه شدن تمدن و فرهنگ اسلام

عزیز است که اقتصاد سالم را به دنبال خواهد داشت. به اعتقاد معظم له گسترش تمدن نوین اسلامی به همت و خرد دسته جمعی نیاز داشته که در سایه وحدت، ایمان به خدا و استقرار عدالت به وجود می‌آید.

فهرست منابع

- *قرآن کریم، ۱۳۷۳، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، دار القرآن الکریم.
۱. ابن بابویه، محمد، ۱۴۱۳ ق، من لا یحضره الفقیه، قم، جلد ۳، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۲. ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۴۲۰ ق، طرف من الأنباء و المناقب، تصحیح قیس عطار، مشهد، چاپ اول، تاسوعا.
 ۳. ابن فهد حلی، احمد، ۱۴۰۷ ق، عدة الداعی و نجاح الساعی، تصحیح احمد موحدی قمی، چاپ اول، دار الکتب الإسلامی.
 ۴. ابن خلدون، عبدالرحمن، ۱۳۷۵، تاریخ ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، چاپ هشتم، انتشارات علمی و فرهنگی.
 ۵. اثنی عشری، ابوالقاسم؛ میکائیلی، سیده وجیهه، بهار و تابستان ۱۳۹۳، تأثیر زکات بر فقرزدایی و رشد اقتصادی: مطالعه‌ی موردی استان‌های شمالی (مازندران، گیلان و گلستان) پژوهش‌های مالیه اسلامی، سال دوم، شماره سوم.
 ۶. اکبری، مرتضی؛ رضایی، فریدون، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)، نشریه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، شماره ۵.
 ۷. جان احمدی، فاطمه، ۱۳۸۸، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، انتشارات معارف.
 ۸. جعفری، محمدتقی، ۱۳۷۳، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، تهران، جلد ۶، انتشارات علمی و فرهنگی.
 ۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۹ ولایت فقیه، چاپ دوم، اسراء.
 ۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۳۸۹ وسایل الشیعه، جلد ۱۷، موسسه نشرالسلامی.
 ۱۱. خامنه‌ای، سید علی، نرم افزار حدیث ولایت، سالهای (۱۳۷۰-۱۳۹۷).

۱۲. خلیلیان اشکذری، محمد جمال، ۱۳۸۴، شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، تهران، چاپ دوم، مؤسسه آموزش امام خمینی.
۱۳. دریس‌اوری، سمیه و فقیهی، علی، ۱۳۹۳، مجموعه مقالات پیشرفته از نظر قرآن و حدیث، جلد سوم، قم انتشارت دبیر خانه حوزوی خلیلیاخیل مرکز الگویی اسلامی.
۱۴. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، تهران، جلد ۹، چاپ دوم، دانشگاه تهران.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین، ۱۴۱۲ ق، مفردات ألفاظ القرآن، جلد ۱، بیروت، چاپ اول، دار القلم.
۱۶. رستم نژاد، مهدی، بی‌تا، قرآن و نظام توزیع ثروت، قم، جلد ۲، انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی.
۱۷. سایت رسمی آیت الله خامنه‌ای.
۱۸. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۰ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، جلد های ۲، ۸، ۱۵، ۱۸ و ۱۹، چ ۲، مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات.
۱۹. طبرسی، فضل، ۱۳۷۲ ش، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، تصحیح هاشم‌رسولی، تهران، جلد ۴، چاپ سوم، ناصر خسرو.
۲۰. طوسی، محمد، ۱۴۱۴ ق، امالی، نشر دارالثقافه.
۲۱. عمید، حسین، ۱۳۶۳، فرهنگ عمید، تهران، جلد ۱، چاپ چهارم، امیرکبیر.
۲۲. عیاشی، محمد، ۱۳۸۰ ق، تفسیر العیاشی، تصحیح سید هاشم‌رسولی محلاتی، تهران، جلد ۱ و ۲، چاپ اول، المطبعة العلمية.
۲۳. فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۳۷۱ ش، نوادر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین (للفیض)، تصحیح مهدی انصاری قمی، تهران، چاپ اول، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۴. قوی دست، بتول؛ سازندگی، مهدی، زمستان ۱۳۹۳، راه‌کارهای آموزه‌های اسلامی در جهت رشد و توسعه اقتصاد سالم، Pure Life، شماره ۱ (27 صفحه - از ۴۹ تا ۷۵).

۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، الکافی (ط - الإسلامية)، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، ج ۳ و ۲، چاپ چهارم، دارالکتب الإسلامية.
۲۶. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الأنوار (ط - بیروت)، بیروت، جلد ۳۲، چاپ دوم، دار إحياء التراث العربي.
۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۲، نظریه سیاسی اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
۲۸. معین، محمد، ۱۳۸۶، فرهنگ معین، تصحیح اعظم کریمی، تهران، چاپ اول، انتشارات فرهنگ نما، کتاب آزاد.
۲۹. مفید، محمد، ۱۴۱۳ ق، المقنعة، قم، چاپ اول، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید رحمته الله علیه.
۳۰. نجفی خمینی، محمد جواد، ۱۳۹۸، تفسیر آسان، تهران، انتشارات اسلامیة.
۳۱. نوری، حسین، ۱۴۰۸ ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، جلد ۱۱، چاپ اول، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.